



دومین کنگره علمی پژوهشی- دانشجویی دانشگاه



علوم پزشکی اردبیل
بررسی نسبت دروس علوم پایه به دروس عمومی، اصلی و تخصصی
18 دوره تحصیلی در دانشگاه های علوم پزشکی

یوسف حمیدزاده اربابی¹، نسرين فولادی²، داود ادهم³، ژيلا حنی³

1- دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

مؤلف، مسئول: y.hamidzadeha@arums.ac.ir

2- دانشکده پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی
اردبیل، اردبیل، ایران

3- دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، اردبیل، ایران

مقدمه و هدف: در اصطلاح، به مجموعه علمی که در اغلب رشته ها و شاخه های علمی به عنوان یک ابزار و زیر بنا به کار می روند، علوم پایه گویند. علوم پایه در حالت کلی شامل ریاضیات، فیزیک و شیمی می باشد (در علوم پزشکی دروسی مانند میکروب شناسی، انگل شناسی، قارچ شناسی، آناتومی و فیزیولوژی، ژنتیک و تغذیه نیز جزو علوم پایه محسوب می شود). دروس علوم پایه، بنیان علمی هر رشته تحصیلی را تشکیل میدهند و لذا از اهمیت خاصی برخوردار است. این مطالعه با هدف تعیین نسبت دروس علوم پایه به دروس و واحدهای عمومی، اصلی و تخصصی 18 دوره تحصیلی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل در نیمسال اول سال تحصیلی 90 - 89 انجام گرفته است.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه مروری و توصیفی است. در این تحقیق، با استفاده از سرفصلها و آرایش دروس مصوب وزارتی، کلیه دوره ها و رشته های تحصیلی (18 رشته) دایر در دانشگاه علوم پزشکی اردبیل مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار تحقیق، چک لیست محقق ساخته است که از 6 عنوان تشکیل شده بود: نام رشته و مقطع آن، تعداد واحدهای عمومی، تعداد واحدهای علوم پایه، تعداد واحدهای دروس اصلی، تعداد واحدهای تخصصی و کارآموزی و کل واحدهای آن رشته. آنگاه با مراجعه به اداره آموزش دانشکده ها، داده های مورد نیاز با استفاده از سرفصلها و آرایش دروس مصوب وزارتی استخراج گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: طبق نتایج این مطالعه، بطور میانگین، 15% دروس (نظری و عملی) دوره های تحصیلی (18 دوره) موجود در دانشگاه های علوم پزشکی را دروس علوم پایه تشکیل می داد. حداقل دروس علوم پایه در



دومین کنگره علمی پژوهشی-دانشجویی دانشگاه



علوم پزشکی اردبیل

دوره های کاردانی، به رشته فوریت‌های پزشکی (5/12%) تعلق داشت و حداکثر دروس علوم پایه در رشته کاردانی بهداشت محیط (5/16%) بود. همچنین، حداقل دروس علوم پایه در دوره های کارشناسی به رشته فناوری سلامت (11%) تعلق داشت و حداکثر دروس علوم پایه در رشته کارشناسی بهداشت محیط (5/25%) گنجانده شده بود. در دوره های کارشناسی ناپیوسته نیز، کمترین دروس علوم پایه به رشته مامایی (12%) مربوط می شد و بیشترین درصد دروس علوم پایه به کارشناسی ناپیوسته بهداشت محیط (26%) تعلق داشت.

بحث و نتیجه گیری: نتایج این تحقیق نشان داد که درصد دروس علوم پایه مشابه درصد دروس عمومی است. از آنجایی که ارتقاء آگاهی های عمومی دانشجویان از دیگر منابع اطلاعاتی از جمله صدا و سیما، مطبوعات و سایر فعالیتهای فرهنگی میسر می باشد به نظر می رسد اهتمام در سطح وزارتخانه بمنظور افزایش نسبت دروس علوم پایه به دروس عمومی ضروری است. همچنین، علت اینکه رشته بهداشت محیط در هر سه مقطع تحصیلی بیشترین دروس علوم پایه را به خود اختصاص می داد، به احتمال زیاد، به داشتن عنوان مهندسی برای آن رشته مربوط باشد. بر اساس این نتایج می توان گفت که دروس علوم پایه ارتباط زیادی با دروس اصلی و تخصصی رشته ها و به تبع آن انجام وظایف شغلی دانش آموختگان در آینده و تحقق اهداف سازمانی دارد. امروزه، برای بهینه کردن و پیدایی پیشرفت در علوم، به کارگیری علوم پایه و مولکولی دارای اهمیت بسیاری بوده و اساس موفقیت اغلب کشورها نیز بستگی به پیشرفت در این علوم دارد لذا افزایش دروس تدریسی مرتبط با علوم پایه برای رشته های پزشکی و پیراپزشکی، پرستاری و مامایی و رشته های مختلف بهداشتی جهت ارتقای شاخصهای بهداشتی و سلامت پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: دروس علوم پایه، دانشگاههای علوم پزشکی، وزارت بهداشت